



## درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۰ اسفند ۱۳۹۱

مصادف با: ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۳۴

جلسه: ۸۷

موضوع کلی: وضع

موضوع جزئی: وضع هیئات - نظر مشهور درباره جمله خبریه و انشائیه

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

بحث در اقوال مختلف درباره وضع قسم اول از هیئات یعنی جمله خبریه و انشائیه بود، نظر مرحوم آخوند بیان شد، محصل نظر ایشان این بود که وضع جملات انشائیه و خبریه از قبیل وضع حروف و اسماء است، موضوع له و مستعمل فیه در آنها یکی است و تفاوتی که بین جمله خبریه و انشائیه وجود دارد خارج از دایره موضوع له است چون این تفاوت فقط مربوط به داعی استعمال است، هر دو جمله برای نسبت وضع شده اند لکن اگر قصد و داعی، حکایت باشد جمله خبریه و اگر قصد و داعی، انشاء و ایجاد نسبت باشد جمله انشائیه خواهد بود، به هر حال طبق نظر مرحوم آخوند قصد اخبار و ایجاد در موضوع له دخیل نیست. دو اشکال به نظریه مرحوم آخوند ایراد شده که اشکال اول از طرف محقق اصفهانی و اشکال دوم از طرف مرحوم آقای خوبی به مرحوم آخوند ایراد شده، البته محقق اصفهانی در واقع با اطلاق کلام مرحوم آخوند مخالفت کرد و الا اصل فرمایش ایشان را قبول داشت، ایشان در یک قسم از جملات خبریه و انشائیه یعنی جملاتی که ماده و هیئت یکی هستند فرمود: حق با مرحوم آخوند است اما در جملاتی که ماده و هیئت متفاوتند نظر مرحوم آخوند را قبول نداشت. یک اشکال هم توسط مرحوم آقای خوبی مطرح شده بود، ایشان هم فرمود اگر معنای اخبار و انشاء یکی باشد و اختلاف فقط به لحاظ داعی استعمال باشد لازمه اش این است که استعمال جمله خبریه و انشائیه به جای یکدیگر صحیح باشد در حالی که چنین استعمالی صحیح نیست و این کاشف از آن است که موضوع له جمله خبریه و انشائیه متفاوت است که این دو اشکال هم مورد بررسی قرار گرفت.

فرمایش محقق اصفهانی مورد خدشه واقع شد که چرا ایشان بین موارد جمله خبریه و انشائیه فرق قائل شده، یا محقق اصفهانی باید در هر دو قسم از جمله خبریه و انشائیه، اتحاد معنی را قائل شود و یا باید در هر دو قسم قائل به اختلاف معنی شود، اینکه ایشان بین جملاتی مثل «بعثت» خبری و انشائی و «اضرب» و «اطلب منک الضرب» فرق قائل شده و بین آنها تفکیک کرده وجهی ندارد، چون اگر ایشان بخواهند بر ممشای مرحوم آخوند مشی کنند در قسم دوم هم نباید بین جمله انشائیه و خبریه فرق باشد و اگر هم بخواهند بر ممشای خودشان مشی کنند باز هم نباید بین جمله خبریه و انشائیه فرق بگذارند، اینکه اختلاف در ماده و هیأت جمله خواهد فارق بین جمله خبریه و انشائیه باشد محل اشکال است. اشکال مرحوم آقای خوبی هم مورد بررسی قرار گرفت. ما شبیه همین مطلب را در بحث از معانی حرفیه مطرح

کردیم که خود مرحوم آخوند همین اشکال که مرحوم آقای خویی را مطرح کرده را پاسخ دادند، مرحوم آخوند در بحث از معنای حرفی فرمودند اگر معنای اسماء و حروف یکی باشد باید استعمال یکی به جای دیگری صحیح باشد در حالی که چنین استعمالی غلط است و این به خاطر اشتراط واضح است، بله معنای اسماء و حروف یکی است اما واضح شرط کرده که اگر لحاظ آلی مورد نظر باشد باید از حروف و اگر لحاظ، استقلالی باشد باید از اسماء استفاده کند، در ما نحن فیه هم مرحوم آخوند می‌فرماید: اگر استعمال جمله به داعی ایجاد باشد، انشائیه و اگر به داعی حکایت باشد، خبریه خواهد بود، پس وقتی واضح این شرط را کرده، به خاطر همین استعمال هر یک به جای دیگری صحیح نیست، البته گفتیم در فرمایش مرحوم آخوند دو احتمال است که ما هر دو احتمال را بررسی و پاسخ دادیم، به هر حال اشکال غلط بودن استعمال یکی به جای دیگری نمی‌تواند نتیجه بدهد که موضوع له جمل خبریه و انشائیه مختلف است.

حال سؤال این است که با توجه به اینکه ما اشکال محقق اصفهانی و محقق خویی نسبت به نظریه مرحوم آخوند را پاسخ دادیم، آیا فرمایش مرحوم آخوند تمام است یا نه؟ ما به مرحوم آخوند عرض می‌کنیم ما هم قبول داریم که معنای جمل خبریه و انشائیه یکی است ولی اینکه آن معنی چیست و فرق بین آنها چیست را در هنگام بیان نظر مختار متعرض خواهیم شد، اجمالاً محصل این بخش از سخن ما این است که مرحوم آخوند می‌گوید معنای جمل خبریه و انشائیه یکی است یعنی فرق جمل خبریه و انشائیه عین فرق حروف و اسماء می‌باشد که موضوع له و مستعمل فیه در آنها یکی و تفاوت فقط به لحاظ آلی و استقلالی بودن حروف و اسماء است، در ما نحن فیه هم موضوع له و مستعمل فیه جمل خبریه و انشائیه یکی و تفاوت فقط به لحاظ داعی استعمال است و این فرق خارج از دایره وضع است، ما هم می‌گوییم معنای جمله خبریه و انشائیه یکی است ولی نه اینکه مثل مرحوم آخوند بدانیم و بگوییم وضع آنها عام و موضوع له هم عام می‌باشد بلکه ما می‌گوییم موضوع له آنها چیز دیگری است و وضع هیئات (جمل خبریه و انشائیه) مانند حروف می‌باشد یعنی وضع در آنها عام و موضوع له خاص می‌باشد، پس ما اجمالاً در اینکه معنای جمله خبریه و انشائیه یکی است با نظر مرحوم آخوند موافقیم لذا گفتیم اشکال مرحوم آقای خویی و محقق اصفهانی وارد نیست که گفتند معنای جمله خبریه و انشائیه متفاوت است و موضوع له آنها فرق می‌کند، محقق اصفهانی بین جمل خبریه و انشائیه تفصیل داد و فرمود در قسم اول (جملاتی مثل «بعثت» که هم قابلیت انشاء را دارد و هم قابلیت اخبار) با نظر مرحوم آخوند موافقیم ولی در قسم دوم (جملاتی مثل «اضرب» و «اطلب منك الضرب» که فقط قابلیت انشاء یا اخبار را دارند) نظر مرحوم آخوند را قبول نداریم و موضوع له جمله خبریه و انشائیه متفاوت است ولی ما به دفاع از مرحوم آخوند کلام مرحوم آقای خویی و محقق اصفهانی را رد کردیم و گفتیم معنای جمله خبریه و انشائیه یکی است ولی تفاوت نظر ما با نظر مرحوم آخوند این است که ایشان وضع جمله انشائیه و خبریه را عام و موضوع له را هم عام می‌داند ولی ما وضع را عام و موضوع له را خاص می‌دانیم بعلاوه موضوع له آنها هم به نظر ما غیر از آن است که مرحوم آخوند فرموده است. که توضیح بیشتر را در بیان نظریه مختار عرض خواهیم کرد.

## ۲- نظر مشهور:

به نظر مشهور موضوع‌له جمله خبریه ثبوت نسبت یا عدم ثبوت نسبت در خارج است، پس مدلول جمله خبریه عبارت از ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در خارج است لذا معنای جمله ایجابی، ثبوت و معنای جمله سلبی، عدم ثبوت است. جمله انشائیه هم برای ایجاد معنی در خارج وضع شده است پس موضوع‌له جمله خبریه و انشائیه متفاوت است و اتحاد در موضوع‌له و مستعمل‌فیه ندارند چون موضوع‌له جمله انشائیه، ایجاد معنی در وعاء مناسب خودش و موضوع‌له جمله خبریه، ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در خارج است. وقتی گفته می‌شود «ضربتُ زیداً»، هیأت این جمله خبریه برای ثبوت نسبت ضرب با فاعل در خارج وضع شده، یا اگر گفته می‌شود «ما ضربتُ زیداً» هیأت این جمله بر عدم ثبوت نسبت ضرب به فاعل که زید باشد دلالت دارد اما وقتی گفته می‌شود «اضرب» هیأت این جمله ایجاد معنی در خارج یا عالم اعتبار است، البته همان گونه که سابقاً گفتیم، بحث از مفاد جمله خبریه و انشائیه به دنبال بحث از حقیقت انشاء و اخبار مطرح می‌شود و نظر مشهور در باب انشاء و اخبار در تفسیر آنها از جملات خبریه و انشائیه تأثیر مستقیم دارد.

### اشکال محقق خوبی به مشهور:

مرحوم آقای خوبی می‌فرماید: نمی‌توانیم در مورد جمله خبریه بگوییم: جمله خبریه برای ثبوت یا عدم ثبوت نسبت خارجی وضع شده‌اند؛ به سه جهت:

### اشکال اول:

جمله خبریه فی نفسه بر تحقق نسبت در خارج و واقع دلالت ندارد، جمله خبریه بدون لحاظ حال مخبر و قرائن خارجی به هیچ وجه بر ثبوت یا عدم ثبوت یک نسبت خارجی دلالت نمی‌کند، حال اگر جمله خبریه چنین دلالتی ندارد چگونه ادعا می‌شود که هیأت جمله خبریه برای ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در خارج وضع شده است؟ توضیح بیشتر این است که باید بین مدلول وضعی و مدلول لفظی جمله خبریه اتحاد باشد، اساساً وضع یک لفظ یا هیأت برای این است که آن لفظ بر یک معنایی دلالت کند و الا اگر قرار باشد لفظی برای معنایی وضع شود اما بر آن معنی دلالت نکند مستلزم لغویت وضع خواهد بود. اینجا مدلول وضعی یک چیز و مدلول لفظی چیزی دیگر است؛ به عبارت دیگر هیأت جمله بر یک چیز دلالت دارد که غیر از مدلول وضعی آن است، اگر موضوع‌له در جملات خبریه، ثبوت یا عدم ثبوت نسبت باشد و ادعا کنیم که جمله خبریه برای دلالت بر ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در خارج وضع شده قهراً شنونده باید تصدیق پیدا کند، وقتی گفته می‌شود «ضربتُ زیداً» اگر این جمله برای ثبوت نسبت ضرب به زید در خارج وضع شده باشد لازمه‌اش این است که مستمع به این نسبت تصدیق پیدا کند یعنی اعتقاد به این نسبت در خارج برای شنونده هم ایجاد شود در حالی که از جمله خبریه تصدیقی در نفس سامع به ثبوت یا عدم ثبوت نسبت، حاصل نمی‌شود بلکه آنچه از شنیدن یک جمله خبریه در نفس سامع حاصل می‌شود صرفاً تصور ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در خارج است؛ پس وقتی گفته می‌شود «ضربتُ زیداً»، در نفس سامع تصدیقی نسبت به ثبوت نسبت ضرب به زید در خارج پیدا نمی‌شود بلکه نهایت

چیزی که در نفس شنونده ایجاد می‌شود تصویری از نسبت ضرب به زید است و این نشان دهنده این است که موضوع‌له جمل خبریه ثبوت یا عدم ثبوت نسبت خارجی نیست.

محصل دلیل اول مرحوم آقای خوبی بر رد قول مشهور این شد که اگر جمله خبریه برای دلالت بر ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در خارج وضع شده بود باید سامع با شنیدن جمله خبریه به ثبوت یا عدم ثبوت نسبت، تصدیق پیدا کند در حالی که جز تصور ثبوت و عدم ثبوت نسبت چیزی در نفس سامع حاصل نمی‌شود و این دلالت می‌کند بر اینکه هیأت جمل خبریه برای دلالت بر ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در خارج وضع نشده است.

#### اشکال دوم:

مرحوم آقای خوبی می‌فرماید: بنا بر آنچه ما در باب حقیقت وضع گفتیم، وضع عبارت از تعهد و التزام است و حقیقت وضع عبارت از تعهد و التزام واضح است به اینکه اگر متکلم خواست معنای خاصی را به مخاطب خود تفهیم کند متعهد می‌شود که از لفظ خاصی استفاده کند. حال که ما حقیقت وضع را عبارت از تعهد و التزام دانستیم، قهراً تعهد و التزام فقط به فعل اختیاری تعلق می‌گیرد و تعهد نسبت به امر غیر اختیاری معنی ندارد. روشن است که معنی ندارد انسان به چیزی ملتزم شود که قدرت بر انجام آن را نداشته و از اختیار او خارج باشد و بدیهی است که ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در خارج، امری غیر اختیاری است و چون از دایره اختیار خارج است، وضع؛ یعنی تعهد و التزام به اینکه هنگام افاده ثبوت یا عدم ثبوت نسبت از فلان جمله استفاده شود، تعهد و التزام به امر غیر مقدور است لذا نمی‌توان گفت موضوع‌له جمله خبریه ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در خارج است.

این دو اشکال را ایشان در محاضرات بیان کرده<sup>۱</sup> و البته اشکال سومی هم در اجود التقریرات ذکر کرده که اشاره خواهیم کرد.

آن‌گاه مرحوم آقای خوبی در رابطه با جمل انشائیه هم به مشهور اشکال کرده و می‌فرماید: جمله انشائیه هم برای ایجاد معنی در خارج وضع نشده چون یا مراد از این ایجاد، ایجاد تکوینی و یا مراد، ایجاد اعتباری است. اگر مراد، ایجاد تکوینی باشد مثل ایجاد جوهر و عرض، بطلان آن از ضروریات است چون مسلم است که با لفظ نمی‌توان یک جوهر یا عرض را در خارج ایجاد کرد و وجودات خارجی به لفظ محقق نمی‌شود مثلاً اگر آتشی بخواهد روشن شود نیاز به یک سری اسباب و علل دارد که اگر آن اسباب، تکویناً فراهم شد آتش روشن می‌شود و لفظ در سلسله اسباب و علل روشن شدن آتش قرار نگرفته است لذا اصلاً معنی ندارد که منظور از ایجاد، ایجاد تکوینی باشد و معقول نیست که یک معنایی در خارج به واسطه لفظ، ایجاد شود.

اگر هم مراد از ایجاد، ایجاد اعتباری باشد مثل ایجاد وجوب و حرمت، ملکیت و زوجیت و امثال آن، برای این منظور هم صرف اعتبار نفسانی کافی است و نیازی به لفظ نیست چون در جمله انشائیه مسلم است لفظ علت وجود امر

<sup>۱</sup>. المحاضرات، ج ۱، ص ۹۵.

اعتباری نیست و در سلسله علل آن هم قرار نگرفته است بلکه وجود در عالم اعتبار به صرف اعتبار نفسانی محقق می‌شود چه لفظی باشد، چه نباشد. لفظ، تنها مبرز آن اعتبار در خارج است و بین مبرز بودن و موجد بودن لفظ فرق است، به وسیله لفظ معنای اعتباری ابراز می‌شود نه اینکه معنای اعتباری به واسطه لفظ ایجاد شود، پس وجود و رفع آن به دست معتبر است که معتبر می‌تواند وجود را بر ذمه کسی اعتبار کند یا اعتبار نکند مثلاً ملکیت را نسبت به یک مال برای شخصی اعتبار کند یا اعتبار نکند. بنابراین آنچه مشهور در تبیین جمله خبریه و انشائیة گفته‌اند که بین جمله خبریه و انشائیة فرق است و موضوع‌له و مستعمل‌فیه هر یک را بیان کرده‌اند محل اشکال است.<sup>۱</sup>

**بحث جلسه آینده:** اشکال سوم مرحوم آقای خویی و بررسی اشکالات ایشان را در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»

---

<sup>۱</sup>. همان، ص ۹۸.